



رکوردداران نقل و انتقالات در لیگ برتر مار کوپولوهای ایرانی!

امیر گودرزی: نقل و انتقالات در فوتبال، بخشی جدایی ناپذیر از پویایی این ورزش است که به بازیکنان فرصت می‌دهد در تیم‌های مختلف خود را به اثبات برسانند و به تیم‌ها اجازه می‌دهد از پتانسیل‌های بازیکنان بهره ببرند. در لیگ برتر ایران، تعدادی از بازیکنان با تغییر متعدد تیم‌های خود، رکورددار بیشترین نقل و انتقالات شده‌اند. در این مقاله به بررسی داستان ۳ بازیکن می‌پردازیم:

فروزان: رکورددار تغییر تیم در فوتبال ایران محسن فروزان، دروازه‌بان ۳۵ ساله، با پیوستن به تیم شمس‌آذر قزوین در زمستان امسال، به هجدهمین تیم دوران حرفه‌ای خود منتقل شد. این انتقال، او را به رکورددار تغییر تیم در تاریخ لیگ برتر ایران تبدیل کرد. فروزان که از ۱۸ سالگی به فوتبال حرفه‌ای وارد شد، در تیم‌های متعددی به میدان رفته است و هر بار توانسته قابلیت‌های خود را به نمایش بگذارد.

فروزان در تیم‌های مختلف از جمله پگاه گیلان، ملوان انزلی، داماش گیلان، گسترش فولاد، تراکتور تبریز و استقلال تهران بازی کرده است. او همچنین در تیم‌هایی نظیر سیاه‌جامگان، راه‌آهن، فولاد خوزستان، خونه به خونه بابل و گل‌گهر سیرجان نیز حضور داشته و در این تیم‌ها نقش موتوری ایفا کرده است. یکی از موفق‌ترین دوران‌های او، بازی در تیم فولاد خوزستان بود که در فصل ۱۴۰۰-۱۳۹۹ با قهرمانی در جام حذفی همراه شد. در سال‌های اخیر، محسن فروزان در تیم گل‌گهر سیرجان توانست درخشش خود را به رخ بکشد. او با ثبت ۱۳ گلین شش در ۲۶ بازی، به گل‌گهر کمک کرد در ده چهارم لیگ قرار گیرد. فصل گذشته نیز او در تیم ذوب‌آهن نقش مهمی در قرار گرفتن این تیم در جایگاه پنجم جدول داشت. اکنون، با حضور در شمس‌آذر، او به دنبال ادامه موفقیت‌هایش در ۱۷ تیم مختلف

حاتمی: بازیکنی در ۱۷ تیم مختلف فرزاد حاتمسی، مهاجم باتجربه و یکی از بازیکنان پرچاشیه لیگ برتر ایران، در دوران بازی خود در ۱۷ تیم بازی کرد. او که به دلیل تغییرات مکرر تیمش شهرت دارد، در تیم‌های بزرگی مانند استقلال، پرسپولیس، سپاهان و فولاد حضور داشته و همواره با گل‌های کلیدی خود شناخته می‌شد.

حاتمی علاوه بر تیم‌های ذکر شده، در تیم‌هایی نظیر پاس تهران، مس کرمان، سایپا، صبایپاتری، ملوان بندرانزلی و گسترش فولاد نیز بازی کرده است. وی حتی در تیم‌هایی مانند خونه به خونه بابل و ماشین‌سازی تبریز نیز حضور داشت و توانست عملکرد قابل قبولی ارائه دهد. تغییرات متعدد تیمی او، نه تنها وی را به یکی از شناخته‌شده‌ترین مهاجمان لیگ برتر ایران تبدیل کرد، بلکه او را در زمره بازیکنان بی‌ثبات از نظر انتخاب تیم قرار داد.

سیدصالحی: مهاجم چند تیمه سیدمهدی سیدصالحی نیز یکی دیگر از بازیکنانی است که در تیم‌های متعدد بازی کرده است. او در طول دوران حرفه‌ای خود در لیگ برتر ایران، در ۹ تیم حضور داشته و بارها توانسته قابلیت‌های خود را در خط حمله به نمایش بگذارد. سیدصالحی در تیم‌هایی همچون سپاهان، استقلال، پرسپولیس، پیکان، صبایپاتری و مس کرمان بازی کرده و در تیم‌هایی مانند نفت تهران، سایپا و فولاد خوزستان نیز حضور داشته است.

هر چند تعداد تیم‌هایی که سیدصالحی در آنها بازی کرده نسبت به فروزان و حاتمسی کمتر است اما عملکرد او در این تیم‌ها نشان‌دهنده ثبات و توانایی‌های فنی بالایش بوده است.

تحلیل عملکرد این بازیکنان نقل و انتقالات متعدد، بسته به شرایط بازیکن، می‌تواند نشان‌دهنده فرصت‌طلبی و تلاش برای بهتر شدن باشد یا نتیجه نبود ثبات حرفه‌ای. محسن فروزان با وجود تغییرات مکرر تیمی، توانسته در هر تیمی که بازی کرده بدرخشد و قابلیت‌های خود را اثبات کند. فرزاد حاتمسی نیز به‌عنوان یک مهاجم در تیم‌های زیادی حضور داشت و گل‌های حساسی به ثمر رساند اما تغییرات مکرر او گاهی به عدم تمرکزش منجر شد. سیدمهدی سیدصالحی نیز، هر چند در تیم‌های کمتری بازی کرده اما همواره عملکرد قابل قبولی از خود به‌جا گذاشته است.

زلاتان ایران؟ زلاتان ایبراهیموویچ، محسن فروزان را می‌توان تا حدودی با زلاتان ایبراهیموویچ، ستاره سوئدی فوتبال اروپا مقایسه کرد. زلاتان نیز در طول دوران حرفه‌ای خود در تیم‌های متعددی از جمله آژاکس، یوونتوس، اینتر، میلان، پاری‌سن‌ژرمن، بارسلونا و منچستر یونایتد بازی کرده و با هر انتقال، ارزش خود را به اثبات رسانده است. فروزان نیز در مقیاس فوتبال ایران، این ویژگی را دارد: تغییر تیم‌های متعدد همراه با عملکرد درخشان.

جمع‌بندی محسن فروزان، فرزاد حاتمسی و سیدمهدی سیدصالحی، هر کدام داستان‌های متفاوتی از نقل و انتقالات متعدد در لیگ برتر ایران دارند.

این بازیکنان نه تنها رکورددار تغییر تیم هستند، بلکه با بازی‌های درخشان خود توانسته‌اند تأثیر بسزایی در تیم‌های‌شان بگذارند. داستان آنها نشان‌دهنده جنبه‌های مختلف زندگی حرفه‌ای یک بازیکن فوتبال است؛ از تلاش برای بهتر شدن گرفته تا چالش‌های ناشی از تغییر پرتعداد تیم‌ها. این ۳ بازیکن، هر کدام به‌نوعی، بخشی از تاریخ فوتبال ایران را ساختند.



تیم بیمار موسی‌مانه دور برگشت لیگ را باخت مقابل شمس‌آذر شروع کرد

سقوط آزاد در آزادی

امیر شبانی، توپ رفت و در تور دروازه استقلال جا خوش کرد. آزادی یخ زد، سکوتی تلخ همه‌جا را پر کرد، سکوتی که در نهایت جای خود را به فریاد «بازیکن بی‌غیرت نمی‌خواهیم» داد.

پایان تلخ، سقوط آزاد استقلال تا آخرین دقیقه تلاش کرد اما نه شوت‌ها راهی به جایی برد، نه ارسال‌های از جناحین کاری از پیش برد. موسی‌مانه، مردی که قرار بود منجی استقلال باشد، به جای لبخند و رضایت، با چهره‌ای درهم و اشفته زمین را ترک کرد. شمس‌آذر با این برد شیرین، ۱۶ امتیازی شد و خودش را تا رده سیزدهم بالا کشید اما استقلال؟ تیمی که زمانی نماد غرور و افتخار برای هوادارانش بود، حالا با ۱۸ امتیاز در رده یازدهم، بدترین جایگاه تاریخش در لیگ برتر را تجربه می‌کند.

آزادی روشن شد اما قلب استقلال تیر کشید ورزشگاه آزادی که این فصل بازسازی شده و برای نخستین بار میزبان یک بازی رسمی بود، شاید انتظار چنین شروع تلخی را نداشت اما فوتبال همیشه روی خوش ندارد. حالا استقلال مانده و روزهایی سخت‌تر از همیشه، در حالی که هوادارانش به آینده‌های نامعلوم چشم دوخته‌اند.

بازی مستقیم، زیر توپ و باز هم هیچ تیم در نیمه اول آنطور که باید و شاید دل به بازی نداده بودند. شمس‌آذر زیر توپ می‌زد و امیدوار بود سرعت بازیکنانش کار دست استقلال بدهد، در حالی که آبی‌ها هم فقط سعی داشتند توپ را از سمت جناحین به محوطه جریمه برسانند. ابوالفضل جلالی چند نفوذ نصفه و نیمه کرد اما حتی یک بار هم انقدر خطرناک نبود که هواداران حاضر در ورزشگاه از جای‌شان بلند شوند. لحظه‌ای که استقلالی‌ها امیدوار شدند، دقیقه ۲۸ بود، جایی که امیرعلی صادقی یک ضربه آزاد زیبا زد اما محسن فروزان، شیرجه‌ای دیدنی زد و توپ را دفع کرد. فروزان انگار آمده بود که یک‌تانه استقلال را زمین بزند.

شوگ نیمه دوم و زخم عمیق گل شمس‌آذر نیمه دوم، استقلال با کمی تغییرات پا به میدان گذاشت. آرش رضواند و امیرعلی صادقی شروع کردند به امتحان کردن شانس‌شان از راه دور اما هر چه ضربه زدند، فروزان محکم‌تر ایستاد. تا اینکه دقیقه ۶۴، همان لحظه‌ای که انگار برای هواداران آبی حکم فرو ریختن آسمان را داشت، رسید؛ ضدحمله‌ای سریع از شمس‌آذر، پاس عمقی میلاد سورگی و شلیک دقیق

روزهایی هست که فوتبال به‌جای لبخند، سیلی به صورت هوادار می‌زند. ورزشگاه آزادی، خانهای که استقلال به آن عشق می‌ورزد، این بار برای آبی‌پوشان تبدیل به جهنمی شد که تنها شعله‌های فریاد و خشم هواداران در آن زیانه می‌کشید. یک تیم بیمار که گویا درمانش در دست موسی‌مانه نیست. بیچاره هوادار استقلال که باید این وضعیت را تحمل کند. همه‌چیز با یک مصدومیت لعنتی شروع شد. جلال‌الدین ماشاریپوف هنوز عرق نکرده بود که زمین خورد، روی زمین ماند و از بازی بیرون رفت. تماشاگران استقلال که انتظار یک بازی توفانی از تیم خود با هدایت مرد آفریقایی داشتند، در همان ثانیه‌های اول ضربه‌های خوردند که سنگینی‌اش تا آخر بازی در پوش تیم ماند. امیرعلی صادقی، مهره جایگزین، آمد اما انگار نیمکت استقلال هم دیگر رمقی ندارد.

کشمکش نامزد های «مشکل‌دار» برای فتح کرسی ریاست فدراسیون فوتبال

تلاش برای عبور از صافی



شهبالدین عزیزی‌خادم هر کدام با ۲ رأی و امیرحسین عابدینی با ۶ رأی، حالا در صف نامزدهای نهایی قرار دارند. اگرچه این صف از بیرون آرام است اما پشت پرده غوغایی جریان دارد.

در کنار رقابت اصلی، ۱۴ نفر نیز برای نمایندگی باشگاه‌ها (با ۲ کرسی)، ۲۰ نفر برای نمایندگی هیأت‌های فوتبال (با ۲ کرسی) و ۴۱ نفر برای کارشناسی نام‌نویسی کرده‌اند. این شور و شوق

انتخاباتی، سایه‌های سنگین از ابهام و پیچیدگی‌های حقوقی رانیز به همراه دارد. برخی نامزدها هنوز درگیر پرونده‌هایی هستند که شفاف‌سازی آنها شرط ورودشان به رقابت‌ها است. کمیته بدوی فدراسیون، با همراهی کمیته‌های استیناف، اخلاق

و انضباطی، حالا سخت مشغول بررسی وضعیت این افراد است. در همین راستا، استعلام‌های متعددی از مراجع قضایی کشور و نهادهای نظارتی انجام شده است. پاسخ‌های این

نهادهای نقش تعیین‌کننده‌ای در تأیید یا رد صلاحیت برخی نامزدها خواهد داشت.

برخی از این چهره‌ها، در تلاشی بی‌وقفه، به دنبال بسته شدن پرونده‌های باز خود و کسب رضایت مراجع قضایی و نظارتی هستند. این تلاش‌ها گاه چنان آشکار است که به جای اثبات شایستگی، به نمایش جنگ بقا میان نامزدها تبدیل شده است. در حالی که فضای انتخابات هنوز کاملاً شفاف نشده، همه نگاه‌ها به تصمیم نهایی کمیته بدوی و استیناف دوخته شده است؛ تصمیمی که می‌تواند مسیر فدراسیون فوتبال ایران را برای سال‌های آینده رقم بزند.

آشنایی با اسماعیل کار تال؛ گزینۀ جدی سر مربیگری پرسپولیس

عقاب ترک



او در ۲۴ سال گذشته هدایت ۱۳ تیم را بر عهده داشته که در این میان، ۳ بار هدایت فنرباغچه را پذیرفته است. با این حال، او هیچ‌گاه بیش از ۲ سال در یک تیم نمانده است. این ویژگی شاید جالبتی برای باشگاه‌هایی باشد که به دنبال ثبات بلندمدت هستند.

معود به سطح اول فوتبال ترکیه یکی از موفقیت‌های چشمگیر کارتال، صعود با تیم‌های سیواس اسپور و آنکاراگوچو به لیگ برتر ترکیه است. او ابتدا سال ۲۰۰۴ موفق شد سیواس اسپور را به سطح اول فوتبال ترکیه برساند و سال‌ها بعد، سال ۲۰۱۸، توانست همین کار را برای آنکاراگوچو انجام دهد. این دستاوردها نشان می‌دهد کارتال توانایی مدیریت شرایط سخت و ساختن تیمی موفق را دارد.

فنرباغچه؛ محور اصلی کارنامه مربیگری کارتال فنرباغچه همواره جایگاه ویژه‌ای در زندگی حرفه‌ای کارتال داشته است. او در ۴ سال اول به‌عنوان دستیار در این تیم فعالیت کرد و در آن دوران فنرباغچه موفق شد ۲ قهرمانی لیگ و ۲ قهرمانی جام حذفی را به دست آورد. با این حال، زمانی که خودش به‌عنوان سرمربی در ۳ دوره هدایت این تیم را به عهده داشت، تنها توانست ۳ نایب‌قهرمانی در سوپرلیگ ترکیه کسب کند.

سوپر جام ۲۰۱۴؛ تنها قهرمانی کارتال در نقش سرمربی یکی از خاطره‌انگیزترین لحظات دوران مربیگری کارتال به سوپر جام ترکیه در سال ۲۰۱۴ بازمی‌گردد. در آن مسابقه، فنرباغچه تحت هدایت او موفق شد در یک دیدار حساس و جذاب، گالاتاسرای را در ضربات پنالتی شکست دهد و قهرمانی را به دست آورد. در آن بازی،

در روزهایی که هواداران پرسپولیس با نگرانی چشم‌انتظار معرفی سرمربی جدید تیم‌شان هستند، نام اسماعیل کار تال مربی اهل ترکیه به‌عنوان یکی از گزینه‌های اصلی هدایت سرخ‌پوشان مطرح شده است. این مربی باتجربه که کارنامه‌ای پر بار در فوتبال ترکیه دارد، سال‌ها در باشگاه فنرباغچه به‌عنوان بازیکن و مربی فعالیت کرده و نقش مهمی در تاریخ این باشگاه ایفا کرده است.

مردی با ۹۹ امتیاز در سوپرلیگ ترکیه یکی از درخشان‌ترین فصل‌های مربیگری کارتال به سال گذشته بازمی‌گردد؛ زمانی که او موفق شد فنرباغچه را به ۹۹ امتیاز در سوپرلیگ ترکیه برساند. با این حال، بدشانسی بزرگ او مانع کسب قهرمانی شد و تیمش پایین‌تر از گالاتاسرای، که ۱۰۲ امتیاز کسب کرده بود، به نایب‌قهرمانی اکتفا کرد. این عملکرد درخشان نشان می‌دهد کارتال توانایی هدایت تیم‌های بزرگ و رقابت در سطح بالا را دارد.

بازیکن وفادار به فنرباغچه کارتال در دوران بازی مدافع راست بود و طی دهه‌ای طلایی برای تیم فنرباغچه به میدان رفت. او در کنار این تیم، افتخارات متعددی از جمله ۶ قهرمانی کسب کرد و توانست نام خود را به‌عنوان یکی از بازیکنان کلیدی این باشگاه ثبت کند. دوران حرفه‌ای او همچنین شامل حضور در تیم‌ملی ترکیه بود، جایی که ۶ بار پیراهن تیم‌ملی کشورش را بر تن کرد.

سرمربی‌ای که اهل ماندن نیست! یکی از ویژگی‌های جالب توجه کارنامه مربیگری کارتال، کوتاه‌مدت بودن دوران همکاری او با تیم‌های مختلف است.

برنامه‌ها را برای اجرانشدن نمی‌نویسند

می‌رسد اما بدون برنامه‌ریزی و تأمین منابع لازم، تنها موجب اتلاف زمان و انرژی می‌شود، لذا این ضرورت وجود دارد که دولت به جد از طرح ایده‌های موهم فاصله گرفته و ظرفیت خود را معطوف پیشبرد فضای عینی و حل مسائل جدی کشور کند. آن زمان اگر اهداف برنامه به طور صد درصد محقق نشد نیز می‌توان بر توجیحات آورده شده تامل کرد اما زمانی که همزمان با اظهار نظر درباره الزام‌آور نبودن برنامه هفتم ایده‌های فکر نشده دیگری مطرح می‌شود، این گزاره تقویت می‌شود که برخی از اساس به دنبال اجرایی نشدن برنامه هستند و از الان بهانه‌جویی برای آینده را زمینه‌چینی می‌کنند.

باشد، بهتر است ابتدا به اجرای دقیق برنامه‌های موجود بپردازد. هرگونه انحراف از برنامه‌های کلان، موجب کاهش کارایی دولت و افزایش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی می‌شود. اگر دولت مدعی است نمی‌تواند برنامه‌های توسعه را اجرا کند، باید دلایل خود را به صورت شفاف بیان کند. برای رفع این چالش‌ها و افزایش اعتماد عمومی، دولت باید از توانایی‌های علمی و تجربی نخبگان کشور در اجرای برنامه‌های کلان استفاده کند. دولت باید متعهد شود به طور کامل از برنامه‌های توسعه کشور پیروی می‌کند و دلایل هرگونه انحراف یا عدم اجرا را به صورت شفاف بیان کند. ایده‌هایی مانند انتقال پایتخت، اگرچه جذاب به نظر

است در حد حرف است، زمانی که از تریبون دولت برای چندبار تکرار می‌شود، بدون اینکه به نتیجه برسد، صرفاً بر معیشت مردم منطقه اثر منفی گذاشته، قیمت کالاها و املاک را بدون هیچ دلیلی بالا می‌برد. این تناقضات نشان می‌دهد دولت در تعیین سیاست‌های کلان خود دچار سردرگمی است. انتقال پایتخت، پروژه‌ای عظیم با هزینه‌های بسیار زیاد است که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و حمایت ملی است. طرح چنین ایده‌هایی بدون مطالعه و پشتوانه اجرایی، تنها به عنوان یک شعار سیاسی تلقی می‌شود.

عدم تحقق کامل برنامه قابل قبول است اما مقدمه‌چینی برای آن، نه! به جای اینکه دولت به دنبال طرح‌های جدید و بزرگ